

همگونی‌های محصولات رسانه‌ای با جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا در موضوع ایران هراسی

* یحیی فوزی
** رضا فرخی

چکیده

سؤال اصلی این پژوهش این است که همگونی محصولات رسانه‌ای آمریکا درباره ایران با جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا درباره ایران به چه میزان است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که سیاست خارجی آمریکا در مقابل ایران تأثیر جدی بر تصویر ایران در محصولات رسانه‌ای آمریکایی دارد که تلاش می‌کنیم به اثبات آن بپردازیم. برای بررسی موضوع محصولات تصویری در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۳ تحلیل می‌گردد و محورهای مشترک آنها را با محورهای سیاست خارجی آمریکا در موضوع ایران مورد تطبیق قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی

محصولات رسانه‌ای غرب، سیاست خارجی آمریکا، ایران هراسی.

مقدمه

سیاست و رسانه در چندین دهه گذشته به شکل قابل توجهی به یکدیگر نزدیک شده‌اند. به طوری که بسیاری از کشورها ابزار رسانه‌ای را در خدمت اهداف خود به ویژه در عرصه سیاست خارجی قرار داده‌اند.

yahyafozi@yahoo.com

reza2244@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ??

*. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

** کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

تاریخ دریافت: ??

تأثیرگذاری روی افکار عمومی، تحت فشار قرار دادن سیاستمداران کشورهای مقابل، فضا سازی در عرصه جهانی و بسیاری دیگر از موضوعات، سبب شد تا تلاش برای استفاده از رسانه‌ها در سیاست خارجی در کشورهای غربی بیشتر شود. موضوع آن چنان رشد پیدا کرده است که در عصر جدید، رسانه‌ها به شدت از رویکردهای سیاست خارجی آن کشور تأثیر می‌گیرند. همه این مسائل موجب شده تا برخی با بررسی محصولات غربی تولید شده در یک موضوع خاص، بتوانند به ابعاد تازه‌تری از رویکردهای خارجی و داخلی کشور صاحب رسانه دست یابند که این موضوع در مورد کشور ایران هم مصداق پیدا می‌کند. به ویژه که در چندین دهه گذشته ایران یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که رسانه‌های غربی و محصولات مرتبط با آنها، نگاه چندین باره و از زوایای مختلف به آن داشته‌اند.

همگونی‌های جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا در موضوع ایران با تصویری که از ایران در محصولات رسانه‌ای غرب ارائه می‌شود یکی از موضوعات قابل بحث می‌باشد. هدف از بررسی این موضوع، کشف ارتباطی است که میان دیپلماسی رسمی و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا در مورد ایران وجود دارد. در کنار این مسئله باید توجه داشت که با توجه به موضوعات مطرح شده در سیاست خارجی آمریکا، محصولات رسانه‌ای این کشور تاکنون سعی کرده‌اند تصویری مشخص از ایران را به جهانیان ارائه دهند. در همین باره بررسی این موضوع می‌تواند بیش از زمان گذشته در مرحله اول فضای موجود میان رسانه و سیاست خارجی را شفاف‌تر کند و در مرحله دوم، بررسی عمیق‌تر این مسئله می‌تواند نگاه کلان‌تری را درباره امروز درباره ایران به افکار عمومی جهانیان عرضه می‌شود، ایجاد کند. ضمن اینکه این مبحث از چندین جهت نگاه کاربردی با وضعیت امروز چهره ایران در میان جهانیان دارد.

باید توجه داشت که مسئله وجهه و اعتبار امروز ایران در جهان یکی از موضوعاتی است که در شرایط کنونی به شدت مورد توجه دستگاه سیاست خارجی کشور است. به همین علت هم بررسی ارتباط میان سیاست خارجی آمریکا و محصولات رسانه‌ای این کشور درباره ایران می‌تواند محورهایی که تحت تأثیر سیاست خارجی آمریکا درباره ایران مطرح می‌شود را بهتر مورد شناسایی قرار دهد.

بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که همگونی محصولات رسانه‌ای آمریکا درباره ایران با جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا درباره ایران به چه میزان است؟ نگارندگان با مطرح کردن این سؤال سعی دارند تا طراز این هماهنگی را بسنجند و در نهایت علاوه بر این سنجش، تصویری که این سیاست خارجی از ایران در قاب رسانه‌ها ارائه می‌دهد را بیش از همیشه مورد بررسی قرار دهند.

همچنین به سؤالاتی فرعی مانند محورهای مشترک تصویر ارائه شده از ایران در رسانه‌های غربی و سیاست خارجی آمریکا چه موضوعاتی هستند؟ و مبحث ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا

و محصولات رسانه‌ای غربی چگونه است؟ پاسخ دهند. فرضیه اصلی این مقاله این است که سیاست خارجی آمریکا در مقابل ایران تأثیر جدی بر تصویر ایران در محصولات رسانه‌ای آمریکایی دارد که تلاش می‌کنیم به اثبات آن بپردازیم.

بحث مفهومی: رسانه و سیاست خارجی

سیاست و رسانه در چندین دهه گذشته به شکل قابل توجهی به یکدیگر نزدیک شده‌اند. به طوری که بسیاری از کشورها ابزار رسانه‌ای را در خدمت اهداف خود به ویژه در عرصه سیاست خارجی قرار داده‌اند. اثرگذاری روی افکار عمومی، تحت فشار قرار دادن سیاستمداران کشورهای مقابل، فضا سازی در عرصه جهانی و بسیاری دیگر از موضوعات سبب شد تا تلاش برای استفاده از رسانه‌ها در سیاست خارجی در کشورهای غربی بیشتر شود. موضوع، آن‌چنان رشد پیدا کرده است که در عصر جدید، رسانه‌ها به شدت از رویکردهای سیاست خارجی کشورهای مطرح غربی تأثیر می‌گیرند. در واقع، لزوم انتقال انگاره‌های سیاسی و افکار سبب شد تا پیوند میان رسانه و دیپلماسی عمومی به شکل ویژه‌ای مورد توجه کارشناسان علوم سیاسی قرار بگیرد؛ چراکه دیپلماسی عمومی فرایند اثرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی است. (ولف و روزن، ۱۳۸۴: ۹۴) و هدف از آن، تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون است. (کاستلز و مانوئل، ۱۳۸۰: ۸۲)

علاوه بر این تعاریف به اعتقاد جین بیگلر، نکات بااهمیت در دیپلماسی عمومی این است که «چگونه می‌توان از طریق جلب نظر مردم یا بخشی از مردم سایر کشورها برای اعمال فشار بر دولت‌های خود، در جهت حمایت از اهداف مورد نظر دست یافت». (Bigler, 2005: 112)

بر این اساس، تلاش رسانه‌ها می‌تواند در عرصه سیاست خارجی کار ویژه‌های زیر را داشته باشد:

۱. رسانه‌ها برای نفوذ دولت‌ها در افکار عمومی بسیار مؤثر محسوب می‌شوند. در واقع، همین اشتراک است که باعث شده تا دولت‌های دارای رسانه قوی از دیپلماسی عمومی قوی‌تری هم برخوردار باشند.

۲. جلب نظر شهروندان دیگر کشورها با سیاست کشوری دیگر، از اهداف دیپلماسی عمومی یک کشور است. رسانه‌ها در مقام یک ابزار قابل برنامه‌ریزی دقیقاً می‌توانند چنین کاری را برای یک دولت انجام دهند.

۳. تحت فشار قرار دادن از طریق به غیر از رویارویی نظامی، از دیگر اهداف مورد نظر دیپلماسی عمومی در تعاریف مطرح شده است. در این رابطه، باید توجه داشت که رسانه‌های امروز به ویژه

رسانه‌های تصویری با توجه به مسائل روان‌شناختی از چنین جایگاهی برخوردار هستند. به گونه‌ای که در صورت کسب اعتبار می‌توانند یک دولت و یا یک تفکر را به شدت تحت فشار قرار دهند. تأثیرگذاری بر افکار در عصر امروز نیازمند داشتن رسانه‌های قوی‌تر است. بر این اساس، دولت‌مردان برای تأثیرگذاری در افکار عمومی روی رسانه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند و انتظار دارند کاملاً افکار عمومی را در راستای اهداف و منافع خود جهت دهند.

۵. دولت‌ها در عصر امروز که نهادهای دموکراتیک نقش مؤثری در شکل‌گیری افکار عمومی و تبیین سیاست‌های یک دولت برای مخاطبان جهانی دارند به خوبی بر این مسئله واقف هستند که سرمایه‌گذاری در بخش قدرت نرم که رسانه مهم‌ترین تجلی آن است نقش تأثیرگذاری در پیشبرد اهداف کلان‌تر دارد. به تعبیر مشخص‌تر، دولت‌هایی که رسانه‌های قدرتمندی در اختیار دارند بدون سرمایه‌گذاری در بخش‌های نظامی موفق به تحقق اهداف خود در دیگر کشورها می‌شوند.

لذا باید گفت رسانه‌ها پلی میان دولت‌ها و افکار عمومی شهروندان هستند و در واقع دولت‌ها با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری روی رسانه‌های مختلف تلاش می‌کنند تا در راستای سیاست‌های تبیین شده خود، مسائل مختلف را آن‌گونه که می‌خواهند به مخاطبان جهانی که افکار عمومی را تشکیل می‌دهند منتقل کنند و از این طریق تا جایی که مقدور است افکار عمومی را دست‌کاری کرده و به سمت مورد نظر خود هدایت کنند. توجه دولت‌ها به این موضوع تا جایی بوده که بودجه قابل توجهی را به رسانه‌های خود در این زمینه اختصاص داده‌اند. در واقع، دولت‌ها با اختصاص این بودجه تلاش دارند تا نیروی رسانه‌ای خود را قوی سازند و بر اساس منطق هزینه - فایده به سرمایه‌گذاری در رسانه بپردازند.

بحث مفهومی: ایران هراسی و دلایل آن

ورود رسانه‌ها به حوزه سیاست سبب شد که پیوند این دو حوزه روز به روز عمیق‌تر شود و به دلیل اینکه حوزه سیاست حوزه‌ای ثروتمند محسوب می‌شود، حوزه رسانه را به عنوان ابزاری برای هدایت افکار عمومی، در اختیار گرفت. به شکلی که بخش قابل توجهی از دولت‌های غربی که بسیار زودتر از دیگر کشورها به تدریس رشته‌های میان‌حوزه‌ای رسانه و سیاست در دانشگاه‌های خود پرداختند، به تدریج توانستند به طور قابل توجهی رسانه را در اختیار حوزه سیاست قرار دهند و اصولاً دیپلماسی دولتی در استفاده از رسانه‌ها در روابط خارجی، سابقه‌ای دیرپا دارد. (معمدندژاد، ۱۳۷۸: ۶۲) یکی از موارد قابل بررسی در این ارتباط نقشی است که رسانه‌های غربی در موضوع ایران‌هراسی هم‌راستا با سیاست خارجی دولت‌های غربی ایفا می‌کنند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

الف) مفهوم ایران‌هراسی

ایران‌هراسی در مفهوم به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران اشاره دارد. همچنین ایران‌هراسی به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری به ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی، مذهبی پذیرفته شده در سراسر جهان اشاره دارد. علاوه بر این، ایران‌هراسی به سیاست‌هایی اطلاق می‌گردد که برای رسیدن به منافع خاص علیه این کشور با معرفی کردن ایران به عنوان تهدیدی برای کشوری خاص یا در شکل بزرگ‌تر، برای صلح بین‌المللی مطرح می‌گردد. گاه ایران‌هراسی با احساسات ضدایرانی همپوشانی دارد. (Ram, 2009)

ب) دلایل وجود ایران‌هراسی

در مورد چرایی وجود ایران‌هراسی می‌توان به چند دلیل مهم برای وجود آن اشاره کرد:

۱. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران: دقت در تاریخ سیاست بین‌الملل حکایت از آن دارد که به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، دیگران در پی جلوگیری از آن برمی‌آیند. بنابراین، افزایش قدرت یک دولت به طور طبیعی به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن و موازنه کردن آن خواهد انجامید. (Ram & Haggai, 2009: 84) بر اساس فرض وجود ایران‌هراسی می‌توان در این باره به این مسئله اشاره کرد که وجود یک دولت مستقل از کشورهای غربی در منطقه‌ای مانند خاورمیانه که از قدرت نسبی برخوردار است برای آن کشورها خطرناک است. به ویژه که حضور ایران در منطقه‌ای نفت‌خیز و به نوعی چهار راه انرژی جهان این نگرانی از ایران را افزایش می‌دهد. به همین دلیل این مسئله قابل پیش‌بینی است که کشورهای غربی سعی در ایجاد هراسی از ایران در جهان و به ویژه کشورهای همسایه داشته باشند.

۲. مجاورت با اعراب: این گزاره در روابط بین‌الملل پذیرفته شده است که توانایی قدرت‌نمایی و تهدیدزایی به تناسب فاصله، کاهش یا افزایش می‌یابد. دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، قادر به ایجاد تهدیدهای بزرگ‌تری برای یکدیگر هستند تا دولت‌هایی که فاصله جغرافیایی آنان از یکدیگر زیاد است. (Brecher, 1972:120) در این زمینه باید اشاره کرد که بخشی از رویکردهای ایران‌هراسانه در رسانه‌های غرب معطوف به افکار عمومی کشورهای مجاور ایران است.

۳. ایران قدرتمند تهدیدی برای هژمونی آمریکا: سرآغاز این عامل را به تعبیری می‌توان مقاله تأثیرگذار ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا دانست. او در این مقاله با عنوان «خاورمیانه جدید» استدلال کرد که عصر جدیدی در خاورمیانه آغاز شده است که مهم‌ترین ویژگی

آن پایان تسلط آمریکا بر این منطقه و تغییر آشکار موازنه قدرت به سود ایران است. این ادبیات در مقالات دیگری همچون خیزش شیعه که به بحث احتمال دامن زدن ایران به موضوع هلال شیعی می‌پردازد هم تکرار شده است. (Naser, 2007) در واقع این ادبیات به گفتمان سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا راه یافته و در چند سال اخیر دوران بوش هم تکرار شده است. قرارداد بیست میلیارد دلاری فروش اسلحه به عربستان در سال ۲۰۰۷ با توسل به افزایش خطر ایران برای کشورهای منطقه و به ویژه اعراب توجیه می‌شود. (Petras, 2007)

ایران‌هراسی در اظهارات مقامات رسمی مؤثر در سیاست خارجی آمریکا

بررسی اظهارات مقامات رسمی آمریکا و برخی همپیمانان ایالات متحده مانند اسرائیل به خوبی می‌تواند ابعاد دامن زدن به این ایران‌هراسی را در بین سیاستمداران مذکور نشان دهد. برخی از مباحث مهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

ردیف	مقامات	رأس صحبت‌های مقامات آمریکایی
۱	وارن کریستوفر، ۷ تیر ۱۳۷۲	تلاش ایران برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی آن را تبدیل به یک کشور منزوی کرده است. ما به مرور زمان به حمله به مراکز هسته‌ای ایران فکر خواهیم کرد.
۲	گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۳	ایران بزرگترین حامی تروریست در جهان است.
۳	بیل کلینتون، ۸ خرداد ۱۳۷۶	ایران اعتقاد دارد تروریسم یک بخش مشروع از دیپلماسی است.
۴	بیل کلینتون (دی ماه ۱۳۷۸)	جنگجویی از دسترسی دشمنان آمریکا به سلاح‌های کشتار جمعی جزو اهداف مهم سیاست خارجی آمریکاست. نباید بگذاریم تروریست‌ها و کشورهای دشمن از جمله ایران و کره شمالی، به سلاح‌های هسته‌ای و فناوری‌های حساس دست پیدا کنند.
۵	رامسفلد وزیر دفاع آمریکا (۹ آذر ۱۳۸۰)	ایران کشوری شبیه عراق، کره شمالی، سوریه و لیبی است که در فهرست تروریست‌های جهانی جای دارد. کار ما این است که تروریست‌ها را ریشه کن کنیم.
۶	گزارش سیا به کنگره آمریکا (۱۱ بهمن ۱۳۸۰)	ایران فعال‌ترین کشور در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است و تلاش دارد توانایی داخلی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را توسعه دهد.

ردیف	مقامات	رأس صحبت‌های مقامات آمریکایی
۷	سناتور جوزف بایدن، ۲۵ اسفند ۱۳۸۰	ایران به شدت در پی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد است و در این راه از کمک‌های خارجی به خصوص از طرف روسیه استفاده می‌کند.
۸	آخرین سخنرانی جرج بوش در سازمان ملل، ۷ فروردین ۱۳۷۸	چند رژیم معدود مثل سوریه و ایران به حمایت از تروریسم ادامه می‌دهند.
۹	جرج بوش، ۲۵ اسفند ۸۱	ایران فعالانه به دنبال دستیابی به این تسلیحات (کشتار جمعی) و صادرات ترور است.
۱۰	باراک اوباما، ۱۱ اسفند ۱۳۸۵	به شدت خطرناک است که سلاح اتمی در دست یک تئوکراسی رادیکال باشد
۱۱	دیک چنی، معاون رئیس جمهور	کشور ما و جامعه بین‌المللی نمی‌تواند حاشیه بایستد و شاهد باشد یک کشور حامی تروریسم (ایران) به بزرگترین جاه‌طلبی‌اش دست یابد.
۱۲	بوش در سخنرانی در کنست اسرائیل، ۲۵ اردیبهشت ۸۷	آمریکا در مقابله با جاه‌طلبی‌های تسلیحاتی هسته‌ای ایران کاملاً در کنار اسرائیل است. اجازه به اینکه بانی اصلی تروریسم در جهان به مرگبارترین سلاح دست یابد، یک خیانت غیر قابل بخشش به نسل‌های آتی است. به خاطر صلح جهانی، جهان نباید اجازه دهد ایران به سلاح اتمی برسد.
۱۳	اوباما (در اجلاس کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل)	خطر ناشی از ایران هسته‌ای به واسطه این است که قرار گرفتن این سلاح در اختیار ایران، به معنای قرار گرفتن آن در اختیار نیروهای تروریست و بنیادگرا خواهد بود.
۱۴	کیسینجر (در مصاحبه با پایگاه خبری بلومبرگ)	مذاکره هسته‌ای با ایران به دلیل شرایط منطقه اجتناب ناپذیر خواهد بود.
۱۵	هیلاری کلینتون (در مصاحبه با برنامه پارزیت)	ایران درباره خروج آمریکا از عراق نباید برداشت نادرستی داشته باشد؛ چراکه اگر به اطرافش بنگرد می‌تواند ما را در عربستان، عراق، ترکیه ببیند.
۱۶	اوباما (در نشست کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل، ۲۴ فوریه ۲۰۱۱)	جلوگیری از ایران هسته‌ای فقط به دلیل امنیت اسرائیل نیست، بلکه این موضوع در راستای منافع ایالات متحده است. ایران در برخی شرایط حاضر است خارج از عرف عمل کند و این خطرناک است. ایران باید بین تسلیحات و آینده بهتر یکی را انتخاب کند.
۱۷	جرج بوش پسر (در مصاحبه با برنامه جی.پی.اس شبکه سی.ان.ان)	آمریکا نباید اجازه بدهد که ایران با بمب هسته‌ای صلح جهانی را تهدید کند.

ردیف	مقامات	رأس صحبت‌های مقامات آمریکایی
۱۸	میت رامنی (در جمع خبرنگاران در هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری)	در صورت انتخاب دوباره اوباما ایران هم به سلاح هسته‌ای دست خواهد یافت که در این صورت جهان تغییر خواهد کرد.
۲۰	جان مک کین، سناتور جمهوری خواه	ایران تهدیدی برای صلح و ثبات جهانی است. ایران تا به حال ده‌ها هزار موشک و دیگر تجهیزات نظامی برای حزب‌الله ارسال کرده است. من فکر می‌کنم این تجهیزات ادامه خواهد داشت. ایران باید برای این اقدام خود بهایی سنگین بپردازد.
۲۱	اوباما	به دست آوردن سلاح هسته‌ای توسط ایران در تضاد کامل با سیاست‌های کلان آمریکا درباره منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای قرار دارد.
۲۲	برژنسکی	ایران می‌تواند به آمریکا در افغانستان و عراق و عربستان حمله کند.
۲۳	اوباما	شفاف‌سازی‌ها و ادعاهای مقامات ایرانی هیچ‌گاه آمریکا را راضی نکرده است.
۲۴	جان برنان، دستیار رئیس جمهور آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم	ایران و سوریه همچنان در صدر دولت‌های حامی تروریسم قرار دارند. حزب‌الله و حماس سازمان‌های تروریستی هستند که اسرائیل و نیز منافع ما را در خاورمیانه تهدید می‌کنند.
۲۵	سناتور جوزف لیبرمن (مصاحبه با تلویزیون سی ان ان)	هر کس تلاش کرد با رژیم ایران که یک رژیم بنیادگراست ارتباط برقرار کند به دیوار بسته خورده است.
۲۶	سناتور مارک کرک	رژیم ایران کماکان اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان باقی مانده است و به عنوان یک تسهیل کننده حیاتی برای القاعده عمل می‌کند
۲۷	بنیامین نتانیاهو، سفر به رم به مناسبت عید سال نو یهودی	جامعه جهانی باید به «توهم»‌های خود در مورد ایران پایان دهد. ما در برابر خطری که مردم کشور ما را تهدید می‌کند، سکوت نخواهیم کرد و واکنش مناسب نشان خواهیم داد.
۲۸	جورج بوش (۲۷ تیر ۱۳۸۳)	بعضی دولت‌ها مانند کره شمالی، عراق و ایران با سلاح‌های کشتار جمعی دنیا را تهدید می‌کنند. ایران مسلح به سلاح کشتار جمعی تهدیدی برای کل منطقه خاورمیانه است. من به اتحادیه اروپا گفتم که پیام روشنی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران بفرستید، آنها باید نگران سلاح‌های هسته‌ای ایران باشند.
۲۹	سوزان رایس، سفیر آمریکا در سازمان ملل (مصاحبه با ان.پی.آر)	هدف این تحریم‌ها این است که محاسبات هزینه و منافع ایران را تغییر داده و ایران متوجه این نکته شود که هزینه برنامه هسته‌ای آن از منافعش بیشتر است.

ردیف	مقامات	رأس صحبت‌های مقامات آمریکایی
۳۰	هیلاری کلینتون (۲۸ شهریور ۱۳۸۹)	افزایش قدرت نظامی ایران نگران کننده است.
۳۱	جی کارنی سخنگوی کاخ سفید (۲۸ آبان ۱۳۹۰)	جهان اکنون می‌داند که ایران نه تنها بیش از دو دهه در صدد مخفی کردن برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود از جهان بوده است بلکه به تحقیق و توسعه پنهان فعالیت‌های مربوطه که فقط می‌تواند یک کاربرد داشته باشد که آن هم ساخت یک کلاهک هسته‌ای است، پرداخته است.
۳۲	هیلاری کلینتون (۲۱ تیر ۹۱)	دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای یک رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای را به وجود خواهد آورد که موجب بی‌ثباتی در خاورمیانه خواهد شد.
۳۳	هیلاری کلینتون (۱۱ بهمن ۹۱)	ما می‌دانیم آن‌ها (ایرانی‌ها) از تروریسم حمایت می‌کنند و به برنامه هسته‌ای‌شان ادامه می‌دهند و این بسیار نگران کننده است.
۳۴	دیک چنی در مصاحبه با فکس نیوز ۹ آذر ۹۲	توافق هسته‌ای با ایران یکی از بدترین و عجولانه‌ترین اقدامات باراک اوباما بوده است. این کار قدرت نظامی آمریکا را کاهش داده و سبب می‌شود تا کشورهای خاورمیانه به تصمیمات آمریکا احترام نگذارند.
۳۵	هنری کیسینجر، وزیر خارجه پیشین آمریکا	ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای باعث گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه می‌شود و احتمال جنگ هسته‌ای را افزایش می‌دهد. در حال حاضر مهم‌ترین موضوع در منطقه، گسترش تسلیحات هسته‌ای است.
۳۶	چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا صدمین سالروز تاسیس «اتحادیه (یهودی) مقابله با افترا»	ایران کشوری حامی تروریسم و مسئول گسترش تندروری‌ها در منطقه است، ممانعت از دستیابی حاکمیت بنیادگرای ایران به سلاح هسته‌ای یکی از چالش‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل است.
۳۷	جفری بیوکنن، ژنرال ارشد و سخنگوی ارشد ارتش آمریکا، ۲۳ مرداد ۱۳۹۰	در حال حاضر بزرگ‌ترین تهدید متوجه عراق، شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران هستند که «مستقیماً» از سوی «نیروی قدس» و از لحاظ «تفر، تسلیحات و اطلاعات» تغذیه می‌شوند.
۳۸	ویکتوریا نولند، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، ۶ تیر ۱۳۹۰	از نظر ما کاملاً طنزآمیز است که فعال‌ترین پشتیبان تروریسم، نشست‌های درباره تروریسم برگزار می‌کند.
۳۹	گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا از تروریسم، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶	سپاه پاسداران انقلاب و وزارت اطلاعات ایران مستقیماً در طرح‌ریزی و پشتیبانی عملیات تروریستی دست دارند و انواعی از گروه‌ها، به ویژه گروه‌های فلسطینی و حزب‌الله لبنان را به استفاده از تروریسم در پیگیری اهدافشان تشویق می‌کنند.

ردیف	مقامات	رأس صحبت‌های مقامات آمریکایی
۴۰	دیوید کوهن، معاون وزارت خزانه داری آمریکا، ۷ مرداد ۱۳۹۰	ایران به توافق سری با القاعده رسیده و اجازه می‌دهد منابع مالی و افراد عملیاتی از خاکش عبور کنند. ایران سردرمدار تروریسم در جهان است.

محورهای مهم اظهارنظرهای مقامات سیاسی آمریکا در موضوع ایران‌هراسی

آمریکا در دو سطح با انقلاب اسلامی ایران، تعارض جدی دارد: سطح اول، سطح تعارض سیاسی است؛ زیرا انقلاب ایران در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیک جهان، یعنی قلب خاورمیانه رخ داد که در آن آمریکا و دولت‌های غربی دارای منافع حیاتی بودند. سلطه بر شاهراه ارتباطی منطقه و خلیج فارس، کنترل شوروی سابق و تسلط بر منابع نفت و گاز منطقه را می‌توان از جمله مهم‌ترین منافع سیاسی غرب در ایران دانست. با رخداد انقلاب اسلامی ایران، این منافع از دست رفت و به جای آن، حکومتی مستقل و مخالف سلطه غرب در منطقه به قدرت رسید؛ به همین دلیل آنها از همان ابتدا از یک‌سو تلاش کردند تا مجدداً طرفداران خود را در ایران به قدرت برسانند که اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران این تلاش‌ها را در سال‌های اولیه انقلاب به خوبی نشان می‌داد. از سوی دیگر، سعی کردند با اعمال فشار بر ایران از طریق تحمیل جنگ و گسترش تروریسم و ایجاد جنگ داخلی، کودتا و تحریم اقتصادی و تهدید به حمله نظامی به تضعیف انقلاب ایران کمک کنند. آخرین اقدامات آنها تلاش برای ممانعت از رشد علمی و تکنولوژی ایران از جمله دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و ایجاد وقفه در برنامه رشد و توسعه همه جانبه نظام انقلابی و اسلامی ایران است.

سطح دوم تعارض بین ایران و غرب را می‌توان تعارض ایدئولوژیک نامید که در مواجهه بین موج جهانی‌سازی غربی و ارزش‌های بومی مناطق مختلف جهان به صورت عام و با ارزش‌های دینی در جهان اسلام و ایران به صورت خاص به خوبی مشهود است. جهانی‌سازی غربی مبتنی بر تلاش برای تسلط ارزش‌های تمدن مادی‌گرا بر جهان است که این ارزش‌ها می‌تواند در موارد زیادی ارزش‌های معنویت‌گرا و دینی را به چالش بکشد.

با توجه به این دو سطح تعارض در منافع، بدیهی است که آمریکا و برخی دولت‌های غربی خواهان بقا و استمرار دولتی دینی و مستقل در ایران نباشند و تلاش کنند از طریق رسانه‌ها و گسترش فرهنگ سکولار در ایران این نظام سیاسی را دچار تحول و تغییر کنند. اقدامات گسترده و هماهنگ کشورهای غربی علیه ایران در مجامع بین‌المللی و حتی تصویب بودجه‌های سالانه در مجالس خود به منظور تغییر در داخل ایران و تأثیرگذاری بر اقلشار مختلف به منظور ایجاد تحول سیاسی در ایران از جمله این اقدامات است. با توجه به این منازعه ریشه‌دار، دولتمردان آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب در ایران،

چند جهت‌گیری مهم را به منظور سرنگونی حکومت انقلابی در ایران و یا تعدیل کردن آن و هم‌جهت نمودن آن با منافع منطقه‌ای آمریکا مطرح کردند که عبارت بودند از:

۱. تأکید بر رادیکالیسم و خشونت و نقض حقوق بشر در ایران

همواره مقامات آمریکایی، ایران را به عنوان یک دولت رادیکال و خشن که حقوق و آزادی‌های شهروندان را سلب کرده مطرح کرده و همواره از نقض حقوق بشر در ایران سخن گفته‌اند و حتی اجرای شریعت و قوانین دینی اسلام را نوعی از مصادیق این امر دانسته‌اند.

۲. تأکید بر حمایت ایران از تروریسم

مقامات آمریکایی، همواره ایران را به عنوان دولتی که حامی تروریسم است مطرح کرده‌اند و مصداق آن را دفاع از مردم فلسطین و مخالفت آن کشور با دولت اسرائیل و یا حمایت از حزب الله لبنان که برای آزادی وطن خود می‌جنگد دانسته‌اند. این در حالی است که ایران همواره یکی از قربانیان تروریسم بوده است.

۳. تأکید بر مخالفت ایران با روند صلح در خاورمیانه

مقامات آمریکا ایران را همواره مخالف صلح خاورمیانه دانسته و معتقدند ایران با به رسمیت نشناختن اسرائیل مانع صلح آن کشور با اعراب است. این در حالی است که ایران همواره از رأی اکثریت به عنوان مشروعیت‌ساز برای حل بحران اعراب و اسرائیل سخن گفته است.

۴. تأکید بر تلاش ایران برای دستیابی برای سلاح هسته‌ای

مقامات آمریکایی همواره ایران را متهم به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کرده‌اند. این در حالی است که ایران این موضوع را انکار کرده و اعلام داشته که خواستار دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح آمیز است، ولی این ادعای مقامات آمریکایی که هنوز هم ادامه دارد همواره تکرار شده است. بر این اساس آنها خواستار برچیدن همه تکنولوژی هسته‌ای به این بهانه بوده اند

همگونی‌های محصولات رسانه‌ای با جهت‌گیری‌های مسئولان سیاست خارجی آمریکا در ارتباط با ایران‌هراسی

۱. محصولات رسانه‌ای تولید شده درباره ایران

با نگاهی به روند ساخت محصولات رسانه‌ای درباره ایران در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ می‌توان به این مسئله اشاره کرد که طی سال‌های مذکور ده‌ها فیلم و مستند تصویری با موضوع ایران ساخته

شده است که مهم‌ترین آنها ۲۰ اثر مندرج در جدول زیر است. بررسی این آثار تصویری نشان می‌دهد که تعداد محصولات رسانه‌ای درباره ایران در سال‌های مختلف روند افزایشی داشته است. به این صورت که در حالی که در دهه ۹۰ دو اثر مهم ساخته شده است، در دهه بعد یعنی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، سیزده اثر و در سه سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بیش از ده اثر تصویری تولید شده است که با نگاهی به این آمار می‌توان اذعان کرد که تعداد این محصولات افزایش چشمگیری داشته و موضوع ایران در چهار سال اخیر به یکی از موضوعات مورد توجه رسانه‌ای خارجی تبدیل شده است.

۲. تحلیل محتوایی محورهای محصولات تصویری درباره ایران

با بررسی محصولات رسانه‌ای درباره ایران می‌توان به خوبی محورهای زیر را در آنها مشاهده کرد:

۱. تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای؛
 ۲. تلاش ایران برای نابودی اسرائیل؛
 ۳. حمایت ایران از تروریسم و گروه‌های تروریستی؛
 ۴. ترسیم ایران به عنوان مهم‌ترین دشمن آمریکا؛
 ۵. تأکید بر خشونت و افراطی‌گری و عقب‌ماندگی در ایران.
- این موارد در جدول زیر در مورد هر یک از آثار مذکور مشخص شده است.

عناوین عناوین فیلمها	سال تولید	تأکید بر رادیکالیسم و خشونت در جامعه ایران	تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای	تلاش ایران برای نابودی اسرائیل	گروه‌های تروریستی و حمایت ایران از حمایت ایران از حمایت ایران از تروریسم و گروه‌های تروریستی	مهم‌ترین دشمن آمریکا	ترسیم ایران به عنوان
بدون دخترم هرگز	۱۹۹۱	*					
دشمن کشور	۱۹۹۸						
سفر انقلابی	۲۰۰۳	*				*	
خانه ای از شن و مه	۲۰۰۳	*					
سیر یانا	۲۰۰۵	*					*
سیصد	۲۰۰۶	*					

مهم‌ترین دشمن آمریکا ترسیم ایران به عنوان	حمایت ایران از حمایت ایران از تروریسم و گروه‌های تروریستی	تلاش ایران برای نابودی اسرائیل	تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای	تأکید بر رادیکالیسم و خشونت در جامعه ایران	سال تولید	عناوین عناوین فیلم‌ها
				*	۲۰۰۸	سنگسار ثریا
*		*	*	*	۲۰۰۹	ایران و غرب
			*		۲۰۰۹	سالت
*		*		*	۲۰۱۰	غیر قابل تصور
*				*	۲۰۱۱	شرایط
*				*		پرسپولیس
*	*	*	*	*	۲۰۱۱	ایرانیوم
*	*	*	*	*	۲۰۱۱	اورشلیم، شمارش معکوس
*			*		۲۰۱۱	تغییر شکل دندگان: تاریکی ماه
*				*	۲۰۱۲	آرگو
*	*	*	*		۲۰۱۳	سقوط کاخ سفید
*					۲۰۱۳	قرمز ۲

نتیجه

در این مقاله تلاش شد تا این فرضیه اثبات گردد که ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا تأثیر جدی بر تصویر ایران در محصولات رسانه‌ای آمریکایی دارد که برای بررسی موضوع در این مقاله مستندهای تصویری هالیوود در مورد ایران مورد بررسی قرار گرفته و محورهای مشترک آنها به محورهای سیاست خارجی آمریکا در موضوع ایران‌هراسی مورد مقایسه قرار گرفته است.

با نگاهی به مطالب این مقاله می‌توان گفت:

۱. محصولات رسانه‌ای درباره ایران در چندین سال گذشته دقیقاً محورهایی را درباره ایران مطرح کرده‌اند که به صورت کاملاً عینی در صحبت‌های مقامات رسمی ایالات متحده قابل مشاهده است. بر همین اساس می‌توان اشاره داشت که امروزه این محصولات سعی می‌کند مسائلی که در سیاست خارجی آمریکا مطرح می‌شود را به صورت یک بسته رسانه‌ای درباره ایران به مخاطب ارائه دهند. هماهنگی این دو، یعنی تطابق میان محورهای مطرح شده درباره ایران در اظهارات مقامات غربی با مواردی که در محصولات رسانه‌ای غرب مشاهده می‌شود را می‌توان نشانه مهم اثبات وجود هم‌خوانی بین سیاست خارجی آمریکا با دستگاه رسانه‌ای آن کشور عنوان کرد.

۲. هر چند هر کدام از محصولات تصویری دارای چندین محور هستند اما موضوع و محور اصلی آنها در سال‌های مختلف تغییر کرده است؛ مثلاً در آثار سال‌های دهه ۹۰ عمدتاً بر مسائل داخلی ایران تأکید شده و ایران متهم به افراطی‌گری، خشونت و عقب‌ماندگی شده است، اما در فیلم‌های دهه بعد محورهای دیگری برجسته شده‌اند. مثلاً در سال‌های بین ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ بیش از هر چیز بر مسئله اتهام تروریست به ایران و آمریکاستیزی این محصولات تکیه شده است. به شکلی که ارتباط موضوع اتهام تروریست به ایران با دیگر محورهای استخراج شده کاملاً برجسته می‌باشد و تأکید بر محور حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حماس که از نگاه غرب تروریست محسوب می‌شوند هم با محورهایی دیگری همچون علاقه ایران به نابودی اسرائیل و صرف درآمدهای نفتی برای مبارزه با غرب و آمریکا برجسته شده است، ارتباط جدی دارد. اما هر چه به سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ نزدیک‌تر می‌شویم تمرکز بر موضوع هسته‌ای ایران و تأکید بر اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای از سوی ایران افزایش می‌یابد و در بسیاری از این محصولات، مسئله هسته‌ای ایران به موضوع حمایت ایران از گروه‌های ضد غربی و به تعبیر این محصولات تروریسم پیوند زده شده است.

۳. با نگاهی به این محورها باید گفت: محصولات رسانه‌ای آمریکایی در راستای سیاست خارجی آمریکا نوعی تهاجم نرم علیه ایران را در جهت‌گیری‌های خود دنبال می‌کنند این تهاجم نرم به تدریج به دنبال تثبیت چهره‌ای مشخص و ثابت درباره ایران در جهان است. به همین علت هم محورهای مشخص شده دائماً در بسیاری از محصولات رسانه‌ای درباره ایران تکرار شده است. هنگامی که هر سال مطابق جدول بالا محصولات رسانه‌ای تولید می‌شوند و محورهای سال پیش را درباره ایران تکرار می‌کنند، در واقع نوعی تصویرسازی ثابت از ایران به وجود می‌آید. این تصویرسازی که هم‌راستا با دولتمردان آمریکایی است، به تدریج تصویرسازی مشخصی بر اساس

المان‌های سیاسی و اجتماعی کاملاً تعیین شده‌ای علیه ایران صورت می‌دهد که تصویر مشخصی را از ایران در افکار عمومی جهان ایجاد می‌کند. بنابراین، هرگاه خبر یا موضوعی درباره ایران در عرصه جهانی مطرح گردد، افکار عمومی جهان به دلیل پیش‌زمینه‌های ذهنی که درباره ایران از این محصولات به دست آورده نوعی گرایش‌های سیاسی را در قضاوت خود در آن موضوع دخالت می‌دهد. بر همین اساس هم پیوندی که میان محورهای موجود در این محصولات وجود دارد سبب می‌شود تا مسائلی همچون خشونت و تروریست همراه با نام ایران در افکار عمومی جهان ترکیب شود. این امر توجیه‌کننده و تسهیل‌کننده اقدامات آمریکا علیه ایران در عرصه افکار عمومی جهان می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. معتمدنژاد، کاظم، «ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل»، *سلسله مطالب درسی دوره دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی*، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹
۲. ولف، چارلز و روزن براین، ۱۳۸۴، «دیپلماسی عمومی: یوسه مرگ»، ترجمه علی گل محمدی، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ش ۳۱ و ۳۲.
3. Brecher, M, 1972, *The Foreign Policy of Israel*, Oxford Press.
4. Bigler, Gene, 2005, *Advancing public Diplomacy*, Finaxial time
5. Naser, vali reza, 2007, *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*, W. Norton & Company; Reprint edition, April 17.
6. Petras, 2007, "James. Israel's War with Iran", *The Financial Times*. December 28.
7. Ram, Haggai, 2009, *Iranophobia. The Logic of an Israeli Obsession*, Stanford.

منابع تصویری

۸. *ایرانیوم (iranium)*، محصول مشترک ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، ۲۰۱۱.
۹. *سیصد (300)*، ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۶.
۱۰. *شبی با پادشاه (One Night with the King)*، ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۶.
۱۱. *خانه‌ای از شن و مه (House of Sand and Fog)*، آمریکا، ۲۰۰۳.
۱۲. *شرایط (circumstance)*، آمریکا، ۲۰۱۱.
۱۳. *سیرینا (syriana)*، آمریکا، ۲۰۰۵.
۱۴. *اورشلیم، شمارش معکوس (Jerusalem Countdown)*، آمریکا، ۲۰۱۱.

۱۵. غیر قابل تصور (unthinkable)، آمریکا، ۲۰۱۰.
۱۶. دشمن کشور (Enemy of the State)، آمریکا، ۱۹۹۸.
۱۷. سقوط کاخ سفید (white house down)، آمریکا، ۲۰۱۳.
۱۸. سنگسار ثریا میم (The Stoning of Soraya M).
۱۹. بدون دخترم هرگز (Not without my daughter)، آمریکا، ۱۹۹۱.
۲۰. درون ایران، خطرناک‌ترین ملت (Iran The Most Dangerous Nation)، آمریکا، ۲۰۰۶.
۲۱. قرمز ۲ (red 2)، ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۳.
۲۲. سفر انقلابی (Revolutionary Journey)، آمریکا، ۲۰۰۳.
۲۳. کلیه‌هایی برای فروش (kidney for sale)، آمریکا، ۲۰۱۰.
۲۴. تغییر جنسیت در ایران (Documentary: Transsexuals in Iran)، انگلستان، ۲۰۰۶.
۲۵. ایران و غرب (Iran and west)، انگلستان، ۲۰۰۹.